فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۲۰، شماره ۲، زمستان ۱۴۰۴، صفحات ۱۵۰-۱۲۳

رابطه جهت‌گیری ارزشی و جهت‌گیری دینی با مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی

دکتر سید علیرضا افشانی [۱]، ضیاءالدین ستارزاده [۲]

تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۷

چکیده:

ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی، می‌توانند تأثیر هم مثبت و هم منفی قوی بر باورها و رفتارهای زیست‌محیطی داشته باشند. این پژوهش رابطه بین جهت‌گیری ارزشی شهروندان یاسوجی و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی را بررسی می‌کند. بدین منظور، با توجه به مطالعات پیشین و پشتوانه نظری (وبر، اینگلهارت، کالموس و اجی‌من و نظریه فرهنگی یا نظریه گروه ـ شبکه داگلاس) به تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از نمونه‌ای به حجم ۳۲۳ نفر پرداخته شد که با روش نمونه‌گیری الکترونیکی جمع‌آوری شد. اعتبار پرسشنامه از نوع صوری و پایایی آن نیز با استفاده از آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شد. نتایج پژوهش حاکی از رابطه مستقیم و معنی‌دار بین جهت‌گیری ارزشی دینی، سنتی و مدرن با مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی بود اما بین جهت‌گیری تقدیرگرایانه و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی رابطه معنی‌دار وجود نداشت. بین دو جهت‌گیری ارزشی دینی و سنتی با مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی در بعد بازیافت رابطه قوی وجود داشت اما در جهت‌گیری ارزشی مدرن، بیشترین نمره برای بعد رفتارهای مسئولانه بود. با توجه به یافته‌های پژوهش، آموزه‌های دینی و کنش عقلانی معطوف به هدف (حفظ محیط زیست به‌عنوان منبع مادی) نقش مهمی در مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی شهروندان یاسوجی داشته و در صورت فراهم بودن شرایط حمایت از رفتارهای مسئولانه زیست‌محیطی از جمله بسترسازی در راستای تسهیل این رفتارها و مشارکت زنان، تقویت ارتباطات و اعتمادسازی بین مردم و سازمان‌های غیر دولتی مانند نهادهای مذهبی و سنتی، شهروندان یاسوجی تمایل، امکان و توان بیشتری در اقدام به چنین رفتارهایی خواهند داشت.

مفاهیم کلیدی: *جهت‌گیری دینی، جهت‌گیری سنتی، جهت‌گیری تقدیرگرایی، جهت‌گیری مدرن، جهت‌گیری زیست‌محیطی*

---

[۱] استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)
afshanialireza@yazd.ac.ir

[۲] کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران zia.satarzade94@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

اقدامات انسانی زیربنای طیف گسترده‌ای از مشکلات زیست‌محیطی است، با این حال عوامل شکل‌دهنده رفتارهای حامی محیط زیست هنوز به خوبی درک نشده‌اند (*Harris, 2004*). حفاظت از محیط زیست با وجود پیشرفت‌های فناورانه و تغییرات اجتماعی، به‌ویژه در دوران رشد صنعتی، عصر پلاستیک و گسترش گردشگری یک نگرانی مهم بوده است (*Ahmed & et. al, 2021*). گزارش‌های جهانی از جمله آخرین گزارش ریسک جهانی منتشر شده توسط مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۹، هشدار می‌دهند که از میان همه خطرات، خطرات زیست‌محیطی جهان را به سوی فاجعه پیش می‌برند. در این بین، اهمیت و نقش دانش و نگرانی زیست‌محیطی با مدرن شدن جوامع و تأثیر آن بر رفتارهای افراد در مقابله با بحران اکولوژیکی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است (*Hynes & Wilson, 2016*). محققان با برجسته کردن فعالیت‌های انسانی که محیط‌زیست را آلوده می‌کنند، به گسترش آگاهی در مورد مشکل پایداری زیست‌محیطی توجه دارند. این واقعیت همچنین رفتارهای حامی محیط زیست را به عنوان اولویت در بحث‌های عمومی مطرح می‌کند (*Bimonte & et. al, 2020*).

رفتارهای حامی محیط زیست، فعالیت‌هایی را به تصویر می‌کشند که کمترین آسیب را به محیط وارد می‌کنند و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی را به عنوان رویکردی اخلاقی و عملی در راستای بهره‌مندی از محیط، تخصیص، بهره‌برداری و حفظ منابع با تمرکز بر حفاظت از سلامت محیط طبیعی و فرهنگ اجتماع محلی تعریف می‌کنند (*Sojasi Ghidari & et. al, 2020; Steg & Vlek, 2009*). با این حال، بنا بر پژوهش‌های صورت گرفته، محیط‌های اجتماعی تأثیرات قابل توجه و پایداری بر این رفتارها دارند (*Cinner & et. al, 2005*). میزان درگیر شدن یک جمعیت در رفتار مسئولانه زیست‌محیطی به وضوح تأثیر چشمگیری بر ردپای اکولوژیکی آن‌ها دارد (*Fusco & et. al, 2012*). با این حال، تا سال ۱۳۷۶، کمبود اطلاعات در مورد عواملی که منجر به پذیرش رفتارهای حامی محیط زیست می‌شود، وجود داشت؛ اما از آن زمان کار زیادی برای درک بهتر پیش‌بینی‌کننده‌های چنین رفتارهایی، با تمرکز بر اثرات متغیرهای جمعیت‌شناختی و آموزش محیطی انجام شده است (*Ferdowsi & et. al, 2007; Veisi & Majdodin, 2010*). با این وجود، درک ژرف‌تر از عوامل تأثیرگذار تسهیل‌کننده رفتارهای حامی محیط زیست به‌ویژه در جوامع در حال توسعه، هم‌چنان یک شکاف پژوهشی است (*Amoah & Addoah, 2021*).

امروزه، بسیاری از بحث‌ها در مورد مسائل زیست‌محیطی موجود بر پیامدهای انتخاب‌های فردی متمرکز است (*Goodell, 2008; McKibben, 2008; Jensen, 2009*). اگر چه انتخاب و کنش، از خصیصه مهم یک جامعه مدرن است، اما وابستگی مذهبی به‌عنوان یکی از جنبه‌های زندگی مدرن احتمال بیشتری دارد که در جوامع جمع‌گرا بر مشارکت در رفتارهای حامی زیست‌محیطی تأثیرگذار باشد (*Waylen & et. al, 2012*). دین به‌عنوان یک عامل فرهنگی، به‌عنوان منبعی از ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی این پتانسیل را دارد که تأثیر قدرتمندی بر نگرش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی داشته باشد (*Awoyemi, 2008*)؛ اما مطالعات نشان داده‌اند که این تأثیرات می‌تواند دوگانه باشد؛ دلایلی برای تردید در هر دو سو وجود دارد که مذهب هم باعث ترویج و هم باعث کاهش نگرانی‌های زیست‌محیطی می‌شود (*Preston & Baimel, 2021*). در فرهنگ‌های جمع‌گرا، ساختارهای جمعی مانند دین، مذهب، سنت، تقدیرگرایی و ... می‌توانند نفوذ گسترده و پایدار و نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتارهای زیست‌محیطی داشته باشند (*Waylen & et. al, 2012; Triandis, 2001*). بنا بر دیدگاه صاحب‌نظرانی، جامعه ایران ترکیبی از فرهنگ جمع‌گرا و فردگرا محسوب می‌شود (*Rezaei & Gholamzadeh, 2018*). در چنین جوامعی که به‌طور کامل مدرنیته را تجربه ننموده و سنت‌ها و رگه‌هایی از تقدیرگرایی را در بطن خود نهان دارند، جهت‌گیری ارزشی در قبال رفتارهای اجتماعی از جمله زیست‌محیطی می‌تواند از نوع سنتی و تقدیرگرایانه نیز مطرح باشد. شواهد نشان می‌دهد در یاسوج هنوز نیز پایبندی به ارتباطات و پیوندهای قومی و طایفه‌ای و حمایت‌های اجتماعی درون شبکه‌های ارتباطی وجود دارد که می‌تواند نقش بسیار مؤثری در تشویق و تحریک افراد به داشتن رفتارهای مسئولانه از جمله زیست‌محیطی داشته باشد. بنابراین، تأثیر این عوامل در شهرهای خاصی مانند یاسوج که تحت تأثیر فرهنگ‌های بومی، تغییرات اجتماعی و چالش‌های محیط زیستی قرار دارند، نیازمند بررسی دقیق‌تر است.

شهر یاسوج در استان کهگیلویه و بویراحمد، با داشتن منابع طبیعی غنی مانند جنگل‌های بلوط (حدود ۷ درصد جنگل‌های کشور) و تنوع گونه‌های گیاهی، جانوری و منابع حیاتی از مهم‌ترین ذخیره‌گاه‌های زیست‌کره جهان به شمار می‌آید (*Yousefi & Rahimian, 2013: 17*). با این حال این شهر کمتر توسعه‌یافته که از زمان انتخاب به‌عنوان مرکز استان، تحولاتی را تجربه کرده، تحت تغییرات سریع اجتماعی و فرهنگی، رشد شهرنشینی و فعالیت‌های صنعتی مشکلات زیست‌محیطی شدیدی را تجربه می‌کند. مشکلاتی نظیر تجاری شدن گونه‌های گیاهی و جانوری، طعمه حریق شدن جنگل‌های بلوط به واسطه تجارت زغال

سودجویان، نزاع‌های قومیتی و سهل‌انگاری گردشگران و ساکنان محلی، آلودگی ناشی از صنایع محلی مانند کارخانه‌های سنگ‌شکن نگرانی‌های جدی ایجاد کرده است.

در چنین شرایطی، مطالعه رفتارهای زیست‌محیطی شهروندان یاسوج با در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی آن از جمله نقش مذهب، سنت، تقدیرگرایی و ارزش‌های جمع‌گرایانه ضروری به نظر می‌رسد. هدف این پژوهش بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی و جهت‌گیری ارزشی از جمله دینی، سنتی، تقدیرگرایانه و مدرن در بین شهروندان یاسوج است. این مطالعه با تکیه بر شرایط خاص جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی یاسوج به پر کردن شکاف‌های موجود در ادبیات تحقیق و افزودن بر دانش نظری در این حوزه، کمک خواهد کرد و می‌تواند راهنمایی‌هایی در راستای سیاست‌گذاری‌های محلی در حوزه‌ی محیط زیست ارائه دهد.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

اکثر مطالعات مربوط به محیط زیست در حوزه جامعه‌شناسی بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی بوده که از میان جهت‌گیری‌های ارزشی تنها دینداری از جمله علل مورد بررسی بوده است. پژوهش‌هایی نیز به صورت مستقل تأثیر متغیر دینداری بر رفتارهای زیست‌محیطی را بررس کرده‌اند. تنها یک پژوهش به بی‌تفاوتی زیست‌محیطی پرداخته که از منظر جهت‌گیری تقدیرگرایی نیست بلکه این پژوهش ارتباط معکوس و معنی‌دار بین عدم احساس اثربخشی و نبود نگرش مثبت زیست‌محیطی با بی‌تفاوتی زیست‌محیطی را گزارش می‌دهد (*Firouzjaian Golugah & Shafiei, 2016*).

مطالعاتی حاکی از عدم ارتباط معنی‌دار بین دینداری و رفتارهای زیست‌محیطی است که علت را در عدم توجه افراد با گرایشات مذهبی به آموزه‌های دینی در حفظ محیط زیست بیان داشتند (*Kiani Salmi & Shaterian, 2018; Hajizadeh & et. al, 2015; Navah & et. al, 2012*)، در حالی که برخی از مطالعات برخلاف این یافته یا ارتباط منفی (*Taleban & Memarzadeh, 2020; Haghighatian, 2014*) یا ارتباط مثبت و قوی (*Gholami & et. al, 2021; Mirfardi, 2019; Rabiei, 2017; Adhami & Akbarzadeh, 2011*) را گزارش نموده‌اند. مطالعات فراتحلیل از پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه نیز نشان از تأثیر دینداری در حد متوسط رو به بالا است (*Tajbakhsh & et.*

al, 2021) که این تأثیر در رفتار زیست‌محیطی شهروندان ساکن شهرستان‌ها در قیاس با تهران و مراکز استان‌ها بیشتر گزارش شده است (*Bagheri & et. al, 2023*).

در حالی که اکثر پژوهش‌ها بر رفتارهای زیست‌محیطی به‌عنوان متغیر اصلی تمرکز داشته‌اند برخی پژوهش‌ها نیز تخریب محیط زیست را به‌عنوان متغیر اصلی پژوهش خود برگزیده‌اند. در این پژوهش‌ها نیز نتایج متناقضی گزارش شده، نتایج برخی از این پژوهش‌ها، نشان از رابطه ضعیف و مستقیم میزان دینداری با تخریب محیط زیست دارد (*Hosseini & et. al, 2021*) در حالی که نتایج برخی دیگر، از ارتباط معنی‌دار و معکوس اما نه قوی دینداری با ارتکاب به جرایم محیط زیستی با عنوان جرایم سبز حاکی است در حالی که در قیاس با دینداری، هویت ملی و فرهنگ شهروندی تأثیر بیشتری داشته‌اند (*Nouri & Niazi, 2023*).

ب) تحقیقات خارجی

در پژوهش‌های خارجی نیز در باب بررسی ارتباط بین جهت‌گیری‌های ارزشی و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی، مطالعاتی متمرکز بر جهت‌گیری دینی به وفور یافت شدند برخلاف دیگر جهت‌گیری‌های مد نظر پژوهش حاضر، پژوهش‌هایی به بی‌تفاوتی زیست‌محیطی از منظر جهت‌گیری تقدیرگرایی پرداخته‌اند که مهم‌ترین علت این رفتار را غیر قابل پیش‌بینی بودن طبیعت و نتیجه‌بخش نبودن مدیریت آن یا به‌عبارتی عدم احساس اثربخشی در رابطه با خطرات زیست‌محیطی گزارش کرده‌اند (*Xue & et. al, 2014; Hoogstra-Klein & et. al, 2012*).

در بررسی پژوهش‌های خارجی که ارتباط بین دینداری و رفتارهای زیست‌محیطی را مورد مطالعه قرار داده‌اند اولین و مهم‌ترین مطالعه در این زمینه پژوهش وایت (۱۹۶۷)، است که به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین نظریه‌های محیط‌گرایی مذهبی استدلال می‌کند که دین (و به‌ویژه مسیحیت غربی) نگرش‌های ضد محیطی را از طریق مضامین تسلط انسان بر طبیعت تقویت می‌کند (*Preston & Shin, 2022*). پس از او، رشته‌ای از مطالعات بررسی کردند که چگونه دینداری با جهت‌گیری‌ها و کنشگری طرفدار محیط زیست مرتبط است. رابطه آماری بین دینداری و جهت‌گیری‌های محیطی که در این مطالعات گزارش شده یا یک ارتباط معنی‌دار و منفی، یا مثبت و یا یک رابطه بی‌اهمیت است که نمونه‌هایی ذکر می‌شود.

برخی از مطالعات نشان می‌دهند که نگرانی‌های محیطی در میان افرادی که دینداری قوی‌تر (*Clements & et. al, 2014*)، تعهد مذهبی (*Arbuckle & Konisky, 2015*) و

حضور مکرر در کلیسا (*Sherkat & Ellison, 2007*) را گزارش می‌کنند ضعیف‌تر است. نتایج پژوهشی نیز نشان از ارتباط منفی متوسطی بین باورهای مذهبی با معیارهای نگرش طرفدار محیط زیست، هم برای پروتستان‌های کاتولیک و هم برای پروتستان انجیلی، دارد (*Arbuckle & Konisky, 2015*). در حالی که یافته‌های مطالعه‌ای با بررسی جامع بیش از ۷۰۰ مقاله در رشته‌های مختلف حاکی از آن است که هم برای سنت‌های ابراهیمی و هم برای ادیان شرقی، محور تز وایت پشتیبانی می‌شود (*Taylor & et. al, 2016*). افراد بسیار مذهبی و آنهایی که به طور اسمی وابسته به مذهب سازمان‌یافته هستند کمترین بخشش مقدار پول و مشارکت داوطلبانه در اهداف زیست‌محیطی را دارند، در حالی که در میان افراد غیر وابسته، مؤمنان غیر کلیسایی سخاوتمندترین نسبت به اهداف زیست‌محیطی حتی در فعالیت‌های داوطلبانه زیست‌محیطی هستند (*Dilmaghani, 2018*).

از سوی دیگر، پژوهش‌هایی با ارائه شواهد تجربی نشان می‌دهند که باورهای دینی به هنگام فعال شدن ارزش‌های مذهبی (*Biel & Nilsson, 2005*) می‌توانند از طریق ارزش‌های اجتماعی و پرورشی (*Djupe & Hunt, 2009*)، مشارکت مذهبی (*Mostafa, 2016*) و نگرش به دین به‌عنوان جست‌وجوی حقیقت (*Munoz-Garcia, 2014*) رفتارهای حامی زیست‌محیطی بیشتری را پیش‌بینی کنند. هر چند پژوهش‌هایی نیز یک ارتباط خفیف اما مثبت بین دینداری و سبک زندگی دوستدار محیط زیست را گزارش کردند (*Pepper & et. al, 2011*)؛ اما به‌طور کلی، این دسته از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ارتباط بین دینداری و بشردوستی تا حد زیادی مثبت است (*Lim & MacGregor, 2012*)، حتی در جوامعی که در سکولاریزاسیون پیشرفته هستند (*Ruiter & De Graaf, 2006; Vermeer & et. al, 2016*).

مطالعاتی نیز هم تأثیرات مثبت و هم منفی را در کار نشان می‌دهند که توسط انواع مختلف باورهای مذهبی هدایت می‌شوند (*Shin & Preston, 2021; Johnson & et. al, 2017*). با توجه به حمایت تقریباً همه ادیان از ارتباط متقابل زندگی با طبیعت و دفاع از احترام افراد به طبیعت و عدم بهره‌برداری از آن برای به دست آوردن ثروت و دارایی‌های مادی (*Raggiotto & et. al, 2018; Roiland, 2016*)؛ اما شواهد یک پارادوکس ظاهری محیط‌گرایی مذهبی را نشان می‌دهند که در آن باور دینی به‌طور مثبت و منفی بر توجه به محیط زیست و تغییرات آب و هوایی تأثیر می‌گذارد. پژوهش‌هایی این تضاد ظاهری را از طریق دو تأثیر مجزا و متضاد معنویت و بنیادگرایی دینی بر نگرش‌های محیطی مذهبی نشان می‌دهند. علیرغم تأثیرات منفی بنیادگرایی دینی، تأثیرات مثبت معنویت موجب خوش‌بینی

شده و امکاناتی را برای ترویج محیط زیست‌گرایی مذهبی مطرح می‌کند؛ توسل به معنویت ممکن است برای افراد مذهبی و سکولار به‌طور یکسان مؤثر باشد (*Preston & Shin, 2022; Johnson & et. al, 2018; Willard & Norenzayan, 2017*).

نقد و ارزیابی پیشینه تجربی

همان‌طور که از پژوهش‌های ذکر شده مشخص است اکثر مطالعات در این زمینه به رابطه دینداری و رفتارهای حامی زیست‌محیطی و تعداد بسیار اندکی به این ارتباط از باب جهت‌گیری مدرن، ارزشی و تقدیرگرایانه پرداخته‌اند. در پژوهش‌های داخلی، بیشتر تمرکز بر رفتارهای زیست‌محیطی است اما در پژوهش‌های خارجی علاوه بر رفتارهای زیست‌محیطی، به تخریب محیط زیست و جرایم محیط زیستی نیز پرداخته شده است. در پژوهش‌های داخلی بیشتر تأثیر دینداری در کنار جهت‌گیری‌های ارزشی دیگر بررسی شده، در حالی که پژوهش‌های خارجی بیشتر به تحلیل دینداری به‌عنوان یک متغیر مستقل و نحوه تأثیر آن بر محیط زیست پرداخته‌اند. بنابراین، با توجه به این که پژوهش حاضر به بررسی چهار نوع جهت‌گیری ارزشی موجود در جامعه شهری یاسوج در ارتباط با مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی پرداخته، از این لحاظ جامع‌تر از پژوهش‌های موجود است. علیرغم تأثیر شناخته شده‌ای که دین بر نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با محیط زیست دارد، پژوهش‌هایی که تأثیر مذهب را بر مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی بررسی می‌کنند، نتایج متفاوتی به دست می‌دهند؛ لذا، از آن‌رو که این تأثیر بسترمند است ضرورت بررسی این جهت‌گیری در هر اجتماعی مبرهن است. این مطالعه از این جهت حائز اهمیت است که با آگاه نمودن سیاست‌گذاران از دیدگاه‌ها و نگرانی‌های شهروندان در حوزه زیست‌محیطی، به آنان درک بیشتر و توانایی ایجاد تحولات مثبت در این حوزه را ارائه می‌دهد. نتایج این پژوهش ممکن است برای سیاست‌گذاران شهرستانی و استانی مفید باشد از آن‌رو که احتمال برنامه‌های با کیفیت موفق در راستای آگاهی‌بخشی و تحولات زیست‌محیطی را افزایش می‌دهد.

پیشینه نظری پژوهش

از آنجا که در این پژوهش سعی در ارائه یک چارچوب نظری منسجم در رابطه با جهت‌گیری‌های ارزشی افراد نسبت به محیط زیست با متغیرهای فردی (دینداری، ارزش‌های مادی و فرامادی، احساس اثربخشی و تقدیرگرایی)، متغیرهای اجتماعی (همبستگی گروهی و شبکه‌های اجتماعی، آگاه‌بخشی و مشارکت جمعی) و متغیرهای ساختاری (گفتمان‌های

زیست‌محیطی، سیاست‌ها و قوانین زیست‌محیطی، سطح توسعه اقتصادی و فرهنگی) داشته‌ایم و نیز بر مبنای فرضیه‌ها، برای تبیین شایسته یافته‌های پژوهش، با استفاده از شیوه تلفیقی، نظریات وبر، اینگلهارت، نظریه فرهنگی یا نظریه گروه ـ شبکه داگلاس را در چارچوب نظریه کالموس و اجی‌من به کار برده‌ایم.

از منظر وبر، کنش، رفتار معنی‌دار و هدفمند است و بررسی کنش‌های اجتماعی افراد یک جامعه بررسی آن جامعه محسوب می‌شود (*Delaney, 2009: 204*). تأکید وبر در باب معنابخشی کنش‌ها بر معانی ذهنی منسوب به کنش‌ها توسط کنش‌گر و بررسی جهت‌گیری‌های متقابل این کنش‌ها در بسترهای تاریخی و اجتماعی است (*Coser, 2003: 299*)؛ در واقع، مهم‌ترین عامل شکل‌گیری معنا در ذهن کنش‌گر تعامل او با محیط اطرافش می‌باشد، یعنی شرایط و وضعیتی که کنش‌گر خود را در آن می‌بیند یا می‌پندارد (*Zibakalam, 2007: 100*). بنابراین نگاه به معنا، وبر چهار کنش را معرفی می‌کند: کنش عقلانی معطوف به هدف (تناسب بین وسیله و هدف)، کنش عقلانی معطوف به ارزش (دستیابی به هدف ارزشی و ذاتی با وسیله عقلانی)، کنش عاطفی و کنش سنتی (*Delaney, 2009: 205*). از نظرگاه ماکس وبر «سنت‌ها»، عواطف، باورها و ارزش‌هایی هستند که نسل به نسل منتقل می‌شوند؛ به همین خاطر معیار و راهنمای جوامع سنتی، گذشته آن‌هاست. اعضای این جوامع درستی یا نادرستی رفتار و اعمال‌شان را بر اساس طول زمانی می‌سنجند که آن رفتار یا عمل مورد پذیرش جامعه بوده است (*Azodanloo, 2005: 369*). وبر ویژگی اصلی جوامع جدید را گسترش فرآیند عقلانیت می‌داند و باور دارد با آغاز مدرنیته جهان به سوی تهی‌شدن از معنا پیش رفته و توجه و تمرکز اصلی انسان‌ها به کارآمدی و عقلانیت جایگزین دستیابی به نوعی تعالی شده است. او با تأکید بر دین به‌عنوان بعد محوری فرهنگ باور دارد که باورهای دینی در زندگی انسان‌ها حتی با وجود توسعه عقلانیت، فراگیر است و توان تأثیر در جهت‌گیری‌های هنجاری آنها در سامان‌بخشی به شیوه زیستی آنها را دارد (*Nabavi & Shahriari, 2013*). بنابراین، کنش زیست‌محیطی انسان از این نگاه نوعی کنش معنی‌دار و هدفمند اجتماعی است که می‌تواند متأثر از اهداف دینی یا باورهای مدرن گاه در راستای حفاظت و گاه در جهت تخریب محیط زیست صورت گیرد. او برای نمونه «به تأثیر عقاید مذهبی در تخریب محیط زیست در جوامع غربی اشاره می‌کند» (*Taleban & Memarzadeh, 2020*).

در نگاه اینگلهارت، ارزش‌ها اساس محیط زیست‌گرایی است که به دو دسته‌ی ارزش‌های مادی و فرامادی بر مبنای سلسله مراتب نیازهای مازلو تقسیم شده است (*Maleki, 2004*).

وی ارزش‌های مادی را مبتنی بر نیازهای زیستی و امنیتی فرد در ارتباط مستقیم با حیات طبیعی او و ارزش‌های فرامادی را مبتنی بر نیازهای فرازیستی انسان‌ها می‌داند. لذا، اگر مردم، فقیر و گرسنه باشند، نمی‌توانند به جز بقاء، به ارزش‌های دیگری فکر کنند، بلکه اولویت ارزشی آن‌ها، برآورده کردن نیازهای اولیه‌شان است. تنها در صورت گذر افراد از این نیازها، شرایط برای توجه به ارزش‌های فرامادی فراهم می‌شود. این ارزش‌های فرامادی و تغییرات می‌تواند به‌صورت تأکیدی بر آزادی شخصی و سیاسی، مشارکت و اظهارنظر بیشتر در مورد حکومت، اجتماع و شغل، برابری، مدارا با اقلیت‌ها و عقاید مخالف، پذیرش ایده‌ها و سبک‌های جدید زندگی، حفاظت از محیط‌زیست و توجه به کیفیت مسائل زندگی تبلور یابند (*Salehi, 2010*). بنا به فرضیه اجتماعی شدن، اولویت‌های ارزشی یک فرد همزمان با توجه به مناسبات اقتصادی ـ اجتماعی او و نیز شرایط پیش از بلوغ او تعیین می‌شود (*Inglehart, 2016: 75*). وقتی فرد پرورش‌یافته یک محیط آکنده از ناامنی باشد به احتمال زیاد تمایل دارد که ارزش‌های مادی را در مرکز توجه و اولویت خود قرار دهد اما اگر شخصی در محیطی با امنیت مادی بزرگ شده باشد نیازهای او به سطوح بالاتر ارتقا یافته و بیشتر در پی ارزش‌های فرامادی است (*Salehi, 2010*). در کمیابی نیز فرض بر این است که فرد نسبت به آنچه که کمتر عرضه می‌شود ارزش بیشتری قائل است و کشش بیشتری دارد (*Inglehart, 2016: 39*). رونق اقتصادی، منجر به حرکت از ارزش‌های مادی به فرامادی، نوعی دگرگونی فرهنگی می‌شود که پس از دگرگونی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیکی و به آرامی از طریق نسل‌های جدید روی می‌دهد. یکی از این ارزش‌های فرامادی، حفاظت از محیط‌زیست و حفظ کیفیت زندگی در دوران جدید است (*Ibid: 61*).

نظریه فرهنگی یا نظریه گروه ـ شبکه ابتدا توسط ماری داگلاس (۱۹۷۰)، مطرح و بعد با همکاری چند انسان‌شناس دیگر گسترش یافت. در این نظریه، فرهنگ در معنای آنچه که در فکر انسان‌ها وجود دارد و تأکید بر احساس و تفکر و درک آنها از دنیای پیرامون‌شان به کار رفته است. بنابراین، رفتارهای انسانی در این نظریه منبعث از ذات آنها پنداشته نمی‌شود بلکه ناشی از قرار گرفتن در محیط فرهنگی و یادگیری بر اساس آموزش‌های فرهنگی جامعه و مناسبات اجتماعی آنها است. این نظریه چهار نوع سوگیری فرهنگی از جمله تقدیرگرایی، مساوات‌طلبی، سلسله‌مراتبی و فردگرایی را مطرح می‌کند. تقدیرگرایان با اتکا به بخت و اقبال و غیر قابل پیش‌بینی انگاشتن طبیعت باور دارند که مدیریت یا عدم مدیریت طبیعت هیچ توفیری ندارد و انسان بایستی با حوادث غیرقابل پیش‌بینی سازگار باشد، لذا با بی‌تفاوتی نسبت به مسائل زیست‌محیطی، خود را در برابر این مسائل مسئول نمی‌دانند. مساوات‌طلبان

با باور به فانی و شکننده بودن طبیعت هر گونه فاجعه زیست‌محیطی را غیر قابل جبران می‌دانند و به تغییر نگرش و رفتار افراد و جامعه در راستای حفظ محیط زیست باور دارند. سلسله مراتبیان گر چه به طبقه‌بندی معتقد هستند اما نسبت به فرودستان نیز احساس مسئولیت دارند. طبیعت در نظر آنان تا حدودی مقاوم اما آسیب‌پذیر است که کنترل این خطرات بایست توسط دولت بر مبنای دانش متخصصان و نخبگان صورت گیرد، لذا این دسته از افراد نیز تا حدودی مسئولیت‌پذیری نسبت به طبیعت را دارند. فردگرایان با اهمیت بسیار به خود و استقلال‌شان در قبال طبیعت احساس مسئولیت نداشته و باور دارند که مداخلات انسانی در طبیعت یا از طریق منابع فراوان طبیعت یا از طریق فناوری و علم قبل جبران است (*Hemayatkhah Jahromi & Ghorbani, 2017*).

چارچوب نظری پژوهش

برای تنظیم یک چارچوب نظری منسجم در این پژوهش از ترکیب نظریه‌های مطرح شده در سه پارادایم تفسیری: نقش معنا و کنش اجتماعی (وبر)، پساماتریالیستی: تغییر ارزش‌ها و توسعه مدرنیزاسیون (اینگلهارت)، ساختارگرایی: تحلیل فرهنگی ـ ساختاری (نظریه گروه ـ شبکه داگلاس) در چارچوب نظریه انتقادی کنش ارتباطی و ایدئولوژی‌های زیست‌محیطی کالموس و اجی‌من بهره برده‌ایم. در دیدگاه کالموس و اجی‌من علل رفتارهای حامی محیط زیستی در افراد یا برعکس موانع چنین رفتاری از پیچیدگی بسیاری برخوردار است که هرگز نمی‌تواند تک علتی باشد. در الگوی رفتار زیست‌محیطی کالموس و اجی‌من مجموعه‌ای از عوامل بیرونی و درونی با رفتارهای زیست‌محیطی ارتباط مستقیم دارند. ویژگی‌های شخصیتی و دیگر عوامل درونی شکل‌دهنده عوامل بیرونی (عوامل اجتماعی و فرهنگی) هستند. محیط فرهنگی و اجتماعی به قواعد اخلاقی، رسوم و سنت‌ها، مذهب و نظام ارزش‌ها و محیط فیزیکی نیز به کیفیت و شرایط محیط زیستی، سازگاری مدنی و مدیریت مصرف توجه دارد. عوامل اقتصادی نیز هم بر خود و هم بر عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیر می‌نهند. در نهایت اینکه در صورت مهیا بودن شرایط پشتیبانی از رفتارهای حامی محیط زیست، اقدام افراد به این رفتارها سهل‌تر و لذا مجموع این عوامل بیرونی و درونی که بر مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی تأثیرگذار هستند امکان تأثیر بر گروه‌های اجتماعی گسترده‌تر را نیز خواهند داشت (*Dastras & Khajenoori, 2020; Gholami & et. al, 2021*).

این چارچوب به گونه‌ای تنظیم شده که تبیین جامعی از عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ارزشی در رفتارهای زیست‌محیطی را ارائه دهد. بنابراین، این چارچوب نظری

تنظیم شده در سه سطح فردی (معانی، ارزش‌ها و باورها)، اجتماعی (گروه‌ها، شبکه‌ها و کنترل اجتماعی) و ساختاری (گفتمان‌ها، سیاست‌ها و نظام‌های اقتصادی) به شایستگی می‌تواند شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی بر مبنای تعامل پیچیده میان ارزش‌های فردی، هنجارهای اجتماعی و ساختارهای قدرت و سیاست‌ها را تبیین کند.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱: بین جهت‌گیری دینی و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.
فرضیه ۲: بین جهت‌گیری مدرن و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.
فرضیه ۳: بین جهت‌گیری سنتی و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.
فرضیه ۴: بین جهت‌گیری تقدیرگرایانه و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به روش پیمایش صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش متشکل از شهروندان بالای ۱۵ سال ساکن شهر یاسوج است. بر اساس آخرین سرشماری عمومی، نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ جمعیت شهر یاسوج ۱۳۴۵۳۲ نفر بوده است (مرکز آمار ایران). حجم نمونه مبتنی بر فرمول کوکران ویژه جامعه بزرگ و بر اساس واریانس حاصل از پیش‌آزمون (p=۰/۷ و q=۰/۳) و با ۹۵ درصد اطمینان، ۳۲۳ نفر تعیین شد. داده‌های این پژوهش به دلیل محدودیت‌های همه‌گیری کرونا ویروس[1] با استفاده از روش نمونه‌گیری الکترونیکی در فاصله مقطعی مرداد تا شهریور ۱۴۰۰ گردآوری شده‌اند. برای این کار، لینک پرسشنامه تهیه شده در سامانه آنلاینِ پُرسا در اختیار شهروندان شهر یاسوج قرار گرفت و داده‌ها در محیط کاربری سامانه مزبور، جمع‌آوری گردید. لازار و پریس با تقسیم جامعه پژوهش به دو نوع تعریف شده و نامشخص، چالش‌های نمونه‌گیری الکترونیکی را که به دلیل عدم آگاهی پژوهشگر از اطلاعات کمّی و جامعه‌شناختی اعضای جامعه و در دسترس نبودن آن رخ می‌دهد، برطرف نمودند. در جامعه پژوهش تعریف شده، پژوهشگر به ویژگی‌های کمّی و جامعه‌شناختی اعضای جامعه دسترسی دارد. در این نوع جامعه آماری، نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری پیمایش‌های غیر الکترونیکی انجام می‌شود. در یک جامعه پژوهش نامشخص که چالش‌های نمونه‌گیری می‌تواند از اعتبار پژوهش و قابلیت تعمیم‌دهی آن بکاهد، شیوه‌هایی برای

[1] COVID-19

بهینه‌سازی فرایند نمونه‌گیری نیاز است. طرح پرسش‌های جمعیت‌شناختی در پرسشنامه مانند سن، جنس، وضعیت تحصیلی و ...، بررسی دامنه الکترونیکی پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه، استفاده از پنجره‌های خودکار (پاپ ـ آپ[1]) و تالارهای گفتگوی اینترنتی (فروم[2]) از جمله شیوه‌های پیشنهادی لازار و پریس است (*Lazar, & Preece, 2001*). در این پژوهش نیز برای مشخص شدن این که پاسخ‌دهندگان ویژگی‌های مدنظر پژوهشگر را دارا هستند پرسش‌های جمعیت‌شناختی در پرسشنامه گنجانده شد و در راستای اهداف پژوهش غربال شد.

اعتبار مقیاس‌های پژوهش با استفاده از اعتبار محتوایی بررسی شد. پرسشنامه اصلاح شده توسط متخصصان و کارشناسان حوزه محیط زیست و نیز استاد راهنمای پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت و با توجه به تعداد خبرگان (۵ نفر) روایی قابل قبولی داشتند (*CVR: 0.99*). پایایی ابزار پژوهش نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ تعیین شده است که نتایج نشان داد ضریب برای همه سازه‌ها در وضعیت مطلوب (بالاتر از ۰/۷) قرار دارد (جدول ۱). داده‌ها نیز به کمک نرم‌افزار *SPSS* در دو سطح توصیفی و استنباطی تحلیل شد.

تعاریف متغیرها

مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی: به مجموعه‌ای از رفتارهای مسئولانه افراد نسبت به محیط‌زیست اشاره دارد که طیف وسیعی از تمایلات، عواطف، احساسات و آمادگی انجام رفتار خاصی جهت حفاظت از محیط زیست را در بر می‌گیرد (*Khoshfar, & Salehi, 2008*). در این پژوهش به منظور سنجش و اندازه‌گیری مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی در افراد، پرسشنامه‌ای ۲۳ گویه‌ای در چهار بعد رفتن به دامن طبیعت (۶ گویه)، مصرف در خانه (۷ گویه)، بازیافت (۴ گویه) و رفتارهای مسئولانه (۶ گویه) با پاسخ‌های بسته بر اساس طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت طراحی شد (*Akhawan, 2015*).

جهت‌گیری دینی: مقصود پایبندی و تعهد به ارزش‌ها، اصول و باورهای دینی، انجام مناسک و حضور در مراسم و آیین‌های دینی است (*Akhtarshahr, 2007: 102*). به‌عبارت دیگر یعنی تنظیم رفتار خود بر اساس اصول و آیین‌های دینی.

جهت‌گیری سنتی: از نظرگاه ماکس وبر «سنت‌ها»، عواطف، باورها و ارزش‌هایی هستند که نسل به نسل منتقل می‌شود و معیار و راهنمای کنش اعضای یک جامعه سنتی است.

[1] Pop-up
[2] Forum

مبنای سنجش درستی یا نادرستی کنش اعضای این جوامع، آن رفتار مورد پذیرش جامعه در طول زمان است (*Azodanloo, 2005: 369*). منظور این متغیر نیز دیدگاه اشخاص نسبت به آیین‌ها، ارزش‌ها، باورها، اعتقادات و آداب و رسومی است که از طریق اجداد و نیاکان به ارث رسیده و مبنای تصمیم‌گیری افراد است.

جهت‌گیری تقدیرگرایانه: منظور از تقدیرگرایی (سرنوشت‌باوری) اعتقاد به بی‌تأثیر بودن عمل انسان‌ها بر سیر رویدادها است. بر اساس این نگرش، تقدیر و سرنوشت همانند عاملی مرموز و پنهان امور زندگی انسان را به دست گرفته و از زمان تولد تا هنگام مرگ او را به جهتی می‌برد که مقدر شده است و انسان هیچ حق انتخابی ندارد. متکی بودن به بخت و اقبال و باور به غیرقابل پیش‌بینی بودن طبیعت از ویژگی‌های تقدیرگرایان است (*Hemayatkhah Jahromi & Ghorbani, 2017*).

جهت‌گیری مدرن: شارما (۱۹۷۹)، معتقد است که جامعه مدرن جامعه‌ای است که بر پایه عقلانیت، تصمیمات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی‌اش را تنظیم می‌کند. مدرنیته بر اساس عقلانیت پایه‌گذاری شده، در واقع عقلانیت شالوده و تضمین‌کننده دیگر ارزش‌های مدرنیته است (*Heidari & Ramezani Baseri, 2016*).

جدول ۱: مقادیر آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

Table 1: *Cronbach's Alpha Coefficient for Research Variables*

متغیرها	ضریب آلفای کرونباخ
Variable	*Cronbach's Coefficient Alpha*
مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی	۰/۸۴۵
جهت‌گیری دینی	۰/۷۳۵
جهت‌گیری سنتی	۰/۷۱۴
جهت‌گیری تقدیرگرایانه	۰/۷۸۶
جهت‌گیری مدرن	۰/۷۴۵

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

با توجه به یافته‌ها در رابطه با جنس پاسخگویان، ۴۴/۳ درصد از کل پاسخگویان زنان و ۵۵/۷ درصد مردان بوده‌اند. ۳۸/۷ درصد از پاسخگویان مجرد و ۶۰/۱ درصد متأهل و ۱/۲ سایر (مطلقه و بیوه) بوده‌اند. حداقل و حداکثر سن به ترتیب ۱۶ و ۷۱ سال و میانگین سن

نیز ۳۳/۴۸ سال بوده است. ۴۶/۷ درصد از پاسخگویان پژوهش افراد شاغل، ۳۳/۷ درصد بیکار، ۴/۳ درصد بازنشسته و ۱۵/۲ درصد زنان خانه‌دار هستند. ۱/۵ درصد از پاسخگویان بی‌سواد و ابتدایی، ۴/۰ درصد از آن‌ها راهنمایی، ۱۵/۵ درصد از آن‌ها دبیرستان و دیپلم، ۶/۵ درصد از آن‌ها فوق دیپلم، ۴۳/۷ درصد آن‌ها لیسانس، ۲۴/۵ درصد از آن‌ها فوق لیسانس و ۴/۳ درصد از آن‌ها دکترا می‌باشند.

آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش

جدول ۲ میانگین مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی و جهت‌گیری‌های ارزشی پاسخگویان را نمایش می‌دهد. میانگین جهت‌گیری دینی پاسخگویان ۲/۸۸، میانگین جهت‌گیری تقدیرگرایانه ۲/۱۹، میانگین جهت‌گیری سنتی ۲/۳۹ و میانگین جهت‌گیری مدرن ۳/۳۰ بوده است. همچین میانگین مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی پاسخگویان ۳/۰۲ به دست آمده است.

جدول ۲: آماره‌های توصیفی

Table 2: *Descriptive Statistics*

	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
	Minimum	*Maximum*	*Average*	*St. Deviation*
رفتن به دامن طبیعت	۱	۴/۵	۳/۶۴	۰/۶۱
مصرف در خانه	۱/۴۳	۵/۰	۳/۶۰	۰/۶۰
بازیافت	۱	۵/۰	۲/۸۹	۰/۹۹
رفتارهای مسئولانه	۱	۵/۰	۲/۸۲	۰/۸۵
مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی	۱/۹۶	۴/۶۵	۳/۰۲	۰/۴۹
جهت‌گیری دینی	۱	۵	۲/۸۸	۱/۲۲
جهت‌گیری تقدیرگرایانه	۱	۵	۲/۱۹	۱/۰۷
جهت‌گیری سنتی	۱	۵	۲/۳۹	۰/۷۴
جهت‌گیری مدرن	۱	۵	۳/۳۰	۰/۶۹

ب) نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌ها

فرضیه ۱: بین جهت‌گیری دینی و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.

با توجه به اطلاعات جدول ۳، رابطه بین جهت‌گیری دینی با ابعاد رفتن به دامن طبیعت و رفتارهای مسئولانه، معنی‌دار نبود ($P>۰/۰۵$)؛ ولی بین جهت‌گیری دینی با مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی و ابعاد مصرف و بازیافت، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($P<۰/۰۰۱$)؛ به

عبارت دیگر هر چه جهت‌گیری دینی شهروندان بیشتر شود، مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی آنان نیز مطلوب‌تر می‌شود. جهت‌گیری دینی، قوی‌ترین رابطه را با بازیافت و ضعیف‌ترین رابطه را با رفتارهای مسئولانه دارد.

جدول ۳: آزمون همبستگی بین جهت‌گیری دینی با مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی و ابعاد آن

Table 3: *Correlation Test between Religious Orientation with Environmental Responsibility and its Dimensions*

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
Independent Variable	*Dependent Variable*	*Pearson Correlation*	*Sig*	*Test Result*
جهت‌گیری دینی	رفتن به دامن طبیعت	۰/۰۳۶	۰/۵۲۲	تأیید فرضیه
	مصرف	۰/۲۰۶	۰/۰۰۱	
	بازیافت	۰/۲۴۲	۰/۰۰۱	
	رفتارهای مسئولانه	۰/۰۲۷	۰/۶۲۳	
	مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی	۰/۱۸۵	۰/۰۰۱	

فرضیه ۲: بین جهت‌گیری مدرن و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.

با توجه به اطلاعات جدول ۴، بین جهت‌گیری مدرن با ابعاد رفتن به دامن طبیعت و بازیافت، معنی‌دار نبود ($P>۰/۰۵$)؛ ولی بین جهت‌گیری مدرن با مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی و بعد مصرف و رفتارهای مسئولانه، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($P<۰/۰۵$)، به‌عبارت دیگر هر چه جهت‌گیری مدرن شهروندان بیشتر شود، مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی آنان نیز مطلوب‌تر می‌شود. جهت‌گیری مدرن، قوی‌ترین رابطه را با رفتارهای مسئولانه و ضعیف‌ترین رابطه را با رفتن به دامن طبیعت دارد.

جدول ۴: آزمون همبستگی بین جهت‌گیری مدرن با مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی و ابعاد آن

Table 4: *Correlation Test between Modern Orientation with Environmental Responsibility and its Dimensions*

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
Independent Variable	*Dependent Variable*	*Pearson Correlation*	*Sig*	*Test Result*
جهت‌گیری مدرن	رفتن به دامن طبیعت	۰/۰۴۷	۰/۳۹۸	تأیید فرضیه
	مصرف	۰/۱۱۳	۰/۰۴۲	
	بازیافت	۰/۰۷۸	۰/۱۶۰	
	رفتارهای مسئولانه	۰/۱۹۶	۰/۰۰۱	
	مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی	۰/۱۷۲	۰/۰۰۲	

فرضیه ۳: بین جهت‌گیری سنتی و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.

با توجه به اطلاعات جدول ۵، بین جهت‌گیری سنتی با ابعاد رفتن به دامن طبیعت، مصرف و رفتارهای مسئولانه، معنی‌دار نبود ($P>۰/۰۵$)؛ ولی بین جهت‌گیری سنتی با مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی و بعد بازیافت، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($P<۰/۰۵$)، به‌عبارت دیگر هر چه جهت‌گیری سنتی شهروندان بیشتر شود، مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی آنان نیز مطلوب‌تر می‌شود. جهت‌گیری سنتی، قوی‌ترین رابطه را با بازیافت و ضعیف‌ترین رابطه را با رفتن به دامن طبیعت دارد.

جدول ۵: آزمون همبستگی بین جهت‌گیری سنتی با مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی و ابعاد آن

Table 5: *Correlation Test between Traditional Orientation with Environmental Responsibility and its Dimensions*

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
Independent Variable	*Dependent Variable*	*Pearson Correlation*	*Sig*	*Test Result*
جهت‌گیری سنتی	رفتن به دامن طبیعت	۰/۰۳۳	۰/۵۵۴	تأیید فرضیه
	مصرف	۰/۰۸۸	۰/۱۱۵	
	بازیافت	۰/۱۸۲	۰/۰۰۱	
	رفتارهای مسئولانه	۰/۰۶۰	۰/۲۸۱	
	مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی	۰/۱۳۴	۰/۰۱۶	

فرضیه ۴: بین جهت‌گیری تقدیرگرایانه و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.

با توجه به اطلاعات جدول ۶، جهت‌گیری تقدیرگرایانه تنها با بعد بازیافت رابطه معنی‌دار دارد ($P<۰/۰۰۱$)؛ ولی رابطه بین جهت‌گیری تقدیرگرایانه با مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی و ابعاد رفتن به دامن طبیعت، مصرف و رفتارهای مسئولانه، معنی‌دار نبود ($P>۰/۰۵$)؛ بنابراین، این فرضیه تأیید نمی‌شود.

جدول ۶: آزمون همبستگی بین جهت‌گیری تقدیرگرایانه با مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی و ابعاد آن

Table 6: *Correlation Test between Fatalistic Orientation with Environmental Responsibility and its Dimensions*

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
Independent Variable	*Dependent Variable*	*Pearson Correlation*	*Sig*	*Test Result*
جهت‌گیری تقدیرگرایانه	رفتن به دامن طبیعت	-۰/۰۵۱	۰/۳۶۰	تأیید فرضیه
	مصرف	۰/۰۵۹	۰/۲۹۰	
	بازیافت	۰/۱۸۴	۰/۰۰۱	
	رفتارهای مسئولانه	-۰/۰۲۰	۰/۷۲۳	
	مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی	۰/۰۶۱	۰/۲۷۸	

بحث و نتیجه‌گیری

مسائل اجتماعی مانند مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی چند بعدی و پیچیده هستند و تحلیل آنها مستلزم بکارگیری رویکردهای نظری متنوع است. در این پژوهش با تکیه بر نظریات وبر، اینگلهارت، نظریه فرهنگی یا نظریه گروه ـ شبکه داگلاس در چارچوب نظری کالموس و اجی‌من رابطه‌ی متغیرهای جهت‌گیری دینی، تقدیرگرایی، مدرن و سنتی بر متغیر وابسته (مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی) مورد سنجش قرار گرفت.

چهار فرضیه این پژوهش در راستای آزمون وجود رابطه بین جهت‌گیری ارزشی و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی طرح شده که بین جهت‌گیری دینی، مدرن و سنتی با مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی رابطه معنی‌دار وجود داشت اما بین جهت‌گیری تقدیرگرایانه و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی رابطه معنی‌دار وجود نداشت که به نحو شایسته‌ای با نظریه فرهنگی مری داگلاس هم‌خوانی دارد. بر اساس این نظریه، تقدیرگرایان به دلیل پذیرش نگاه

غیر قابل پیش‌بینی بودن طبیعت، تأکید بر سرنوشت از پیش مقدّر شده و عدم توان‌مندی انسان در مقابله با طبیعت و لزوم سازگاری با آن، نسبت به محیط زیست بی‌تفاوت هستند و مسئولیتی را بر خود ملزم نمی‌دانند. پژوهش‌های *Firouzjaian Golugah & Shafiei (2016), Xue & et. al (2014), Hoogstra-Klein & et. al, (2012)* با نتایج این پژوهش همسو هستند. البته در جوامعی مانند ایران که دارای آموزه‌های دینی مبتنی بر اسلام است و بر مسئولیت فردی و نقش انسان در حفظ امانت الهی یعنی طبیعت تأکید دارند، تقدیرگرایی می‌تواند از مطلق‌گرایی فاصله گرفته و به نوعی تقدیرگرایی فعالانه تبدیل شود.

رابطه قوی بین دو جهت‌گیری دینی و سنتی با مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی در بعد بازیافت از دو منظر قابل تحلیل است. در نگاه وبر مبنای کنش سنتی بر اساس آموزه‌های نسلی و به پیروی از گذشته است و با توجه به فرضیه کمیابی و اجتماعی شدن اینگلهارت، اولویت ارزشی شهروندانی که جهت‌گیری سنتی داشته‌اند بر اساس آموخته‌ها و ارزش‌های نسل پیشین خود که ابتنای دینی دارد، بر عدم اسراف بوده که در بعد بازیافت نمود یافته است. وبر باور دارد که جوامع آشنا با مدرنیته هر چند به سوی تهی‌شدن از معنا پیش می‌روند اما دین می‌تواند در سامان‌بخشی به زندگی و معنابخشی به آن مؤثر باشد. آموزه‌های دینی با تأکید بر اصول اخلاق نظیر قناعت، عدم اسراف و احترام به منابع طبیعی می‌توانند تأثیر عمیقی بر مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی داشته باشند. این یافته با پژوهش‌های *Tajbakhsh & et. al (2021), Mirfardi (2019), Rabiei (2017), Munoz-Garcia (2014), Pepper & et. al (2010), Adhami & Akbarzadeh (2011)* همخوانی دارد.

در جهت‌گیری مدرن بر خلاف جهت‌گیری سنتی و دینی، بیشترین نمره برای بعد رفتارهای مسئولانه است که نشان از اهمیت زمین، منفعل نبودن و مسئولیت‌پذیری در قبال حفاظت و تداوم بقای محیط‌زیست در اولویت‌های ارزشی پاسخ‌دهندگان دارد. خودبیانگری، برابری‌خواهی، انتخاب، کنش و اثرگذاری از جمله ارزش‌های نگرش مدرن است که رفتارهای مسئولانه زیست‌محیطی را در شهروندان یاسوجی با جهت‌گیری مدرن توجیه می‌کند؛ مطالعاتی نیز این ادعا را حمایت می‌کنند (*Ahmed & et. al, 2021; Bimonte & et. al, 2020; Bimonte & et. al, 2020*).

با توجه به نظر اینگلهارت، با مدرن شدن جوامع و برآورده شدن نیازهای زیستی و اولیه با رونق اقتصادی، نیازهای اجتماعی و خودشکوفایی به‌عنوان ارزش‌های فرامادی در کانون توجه افراد قرار می‌گیرند. آن‌طورکه در نظریه دگرگونی ارزشی اینگلهارت آمده، اولویت‌های ارزشی فرد در تطابق با مناسبات اجتماعی و اقتصادی او تعین می‌پذیرد و فرد رشد یافته در

امنیت مادی، به ارزش‌های فرامادی توجه دارد و بالعکس. حتی در جوامعی همچون یاسوج که توسعه اقتصادی چشمگیری نداشته‌اند، دگرگونی‌های تکنولوژیکی و فرهنگی می‌توانند نقش مهمی در این تغییرات ارزشی ایفا کنند. بنابراین، همسو با تغییرات ارزشی مبتنی بر دگرگونی‌ها تکنولوژیکی و فرهنگی می‌توان مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی را یک ارزش فرامادی برای شهروندان شهر یاسوج در نظر گرفت. از سوی دیگر، از آنجا که محیط‌زیست برای شهروندان شهر یاسوج منبع برآورده ساختن نیازهای مادی است، لذا بر اساس فرضیه اجتماعی شدن و کمیابی، در راستای مصون ماندن از ناامنی مادی، پایبندی به ارزش‌های فرامادی (مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی) را در پی دارد. همچنین، بنابر دیدگاه وبر، با در نظر داشتن عقلانیت به‌عنوان ویژگی مدرن شدن جوامع، اتخاذ رفتارهای مسئولانه در مورد محیط زیست از سوی شهروندان یاسوجی به نوعی کنش عقلانی معطوف به هدف (حفظ محیط زیست به‌عنوان منبع مادی) محسوب می‌شود.

تحلیل نهایی بر اساس چارچوب نظری کالموس و اجی‌من و یافته‌های این پژوهش و چارچوب نظری نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی در میان شهروندان یاسوج متأثر از مجموعه‌ای از عوامل درونی (ارزش‌ها، باورها و اخلاق) و بیرونی (شرایط محیطی، اقتصادی و اجتماعی) است. همان‌گونه که کالموس و اجی‌من بیان داشته‌اند رفتارهای حامی زیست‌محیطی انسان‌ها متأثر از قواعد اخلاقی، رسوم و سنت‌ها، مذهب، نظام ارزش‌ها، کیفیت و شرایط محیط زیستی، سازگاری مدنی و مدیریت مصرف در کنار عوامل اقتصادی است. بر اساس چارچوب نظری پژوهش، مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی در میان شهروندان شهر یاسوج متأثر از ارزش‌های دینی و سنتی (تقویت رفتارهای همچون بازیافت) و نگرش مدرن و عقلانی (تمرکز بر رفتارهای مسئولانه و پایدار) است. اثر منفی جهت‌گری تقدیرگرایانه در رابطه با مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی را نیز می‌توان با آموزش و آگاهی‌بخشی از طریق شبکه‌های اجتماعی محلی و آموزه‌های دینی اصلاح کرد. در نهایت، با فراهم بودن شرایط حمایت از رفتارهای زیست‌محیطی، شهروندان یاسوجی تمایل، اشتیاق، امکان و توان بیشتری در اقدام به چنین رفتارهایی خواهند داشت.

پیشنهادات پژوهش

بسترسازی در راستای تسهیل رفتارهای مسئولانه زیست‌محیطی از طریق تشویق و ترغیب کارگروه‌های محلی از جمله برگزاری کارگاه‌ها و همایش‌ها و اجتماعات عمومی، تقویت پل‌های ارتباطی بین مردم و سازمان‌های مسئول در حوزه محیط‌زیست در شهر، تقویت

ارتباطات و اعتمادسازی بین مردم و سازمان‌های غیر دولتی از جمله نهادهای مذهبی و سنتی.

ضرورت توجه اکید به نقش زنان و بسترسازی برای مشارکت اجتماعی هر چه بیشتر آنان در راستای فعالیت‌های زیست‌محیطی با توجه به ارتباط جهت‌گیری ارزشی مدرن با مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی از طریق پذیرش تفاوت‌های نگرشی ایجاد شده و تعدیل نگاه‌های جنسیتی در مردم.

مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی نهادهای اجتماعی و سیاسی حاکم از طریق تدوین مقررات قانونی در قانون اساسی در راستای برخورداری از حقوق شهروندی و وظایف شهروندی مرتبط با محیط‌زیست و همچنین مشارکت دادن مردم در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سیاست‌گذاری‌های زیست‌محیطی و مدیریت اجرایی آن.

انجام پژوهشی با رویکرد کیفی در جامعه مورد مطالعه پژوهش حاضر در راستای واکاوی نقش سنت و دین در مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی با توجه به ارتباط قوی جهت‌گیری سنتی و دینی با بعد بازیافت در مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی و نیز زنده بودن سنت و دین در جامعه مورد مطالعه.

References:

Adhami, A., & Akbarzadeh, E. (2011). "Examining on cultural factors affecting the preservation of the environment in Tehran (case study of districts 5 & 18)", Social Science Quarterly, 5(12), 113-140. (Persian)

Ahmed, N., Li, C., Khan, A., Qalati, S. A., Naz, S., & Rana, F. (2021). "Purchase intention toward organic food among young consumers using theory of planned behavior: role of environmental concerns and environmental awareness", Journal of Environmental Planning and Management, 64(5), 796-822.

Akhawan, A. (2015). Investigating the environmental behaviors of citizen's aged 15 years and older in Urmia city and social factors related to it, master's thesis in sociology, Tabriz University, Tabriz. (Persian).

Akhtarshahr, A. (2007). Islam and development. Second edition, Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. (Persian).

Amoah, A., & Addoah, T. (2021). "Does environmental knowledge drive pro-environmental behaviour in developing countries? Evidence from households in Ghana", Environment, Development and Sustainability, 23(2), 2719-2738.

Arbuckle, M. B., & Konisky, D. M. (2015). "The role of religion in environmental attitudes", Social Science Quarterly, 96(5), 1244-1263.

Awoyemi, S. M. (2008). "The role of religion in the HIV/AIDS intervention in Africa: A possible model for conservation biology", Conservation Biology, 22(4), 811-813.

Azodanloo, H. G. (2005). Fundamental sociological concepts: An Introduction. Tehran: Nashr-e Ney. (Persian).

Bagheri, M., Shojaie, H., & Shahryari, M. (2023). "Meta-analysis of studies of religiosity and environmental responsibility in the Islamic Republic of Iran", Journal of Islam and Social Sciences, 14(28), 249-277. (Persian).

Biel, A., & Nilsson, A. (2005). "Religious values and environmental concern: Harmony and detachment", Social science quarterly, 86(1), 178-191.

Bimonte, S., Bosco, L., & Stabile, A. (2020). "Nudging pro-environmental behavior: evidence from a web experiment on priming and WTP", Journal of Environmental Planning and Management, 63(4), 651-668.

Cinner, J. E., Marnane, M. J., McClanahan, T. R., Clark, T. H., & Ben, J. (2005). "Trade, tenure, and tradition: influence of sociocultural factors on resource use in Melanesia", Conservation Biology, 19(5), 1469-1477.

Clements, J. M., McCright, A. M., & Xiao, C. (2014). "Green Christians? An empirical examination of environmental concern within the US general public", Organization & Environment, 27(1), 85-102.

Coser, L. A. (1971). Masters of sociological thought: ideas in historical and social context. Translated into persion by Mohsen Salasi (2003). 10th edition, Tehran: Elmi. (Persian)

Dastras, F., & Khajenoori, B. (2020). "Investigating the relationship between sociological factors and environmental behavior of citizens of Shiraz", Journal of Applied Sociology, 30(4), 35-58. (Persian).

Delaney, T. (2004). Classical social theory: investigation and application. Translated into persion by Behrang Siddiqui, Vahid Toloui (2009). Second edition, Tehran: Nashr-e Ney. (Persian).

Dilmaghani, M. (2018). "Which is greener: secularity or religiosity? Environmental philanthropy along religiosity spectrum", Environmental Economics and Policy Studies, 20(2), 477-502.

Djupe, P. A., & Hunt, P. K. (2009). "Beyond the Lynn White thesis: Congregational effects on environmental concern", Journal for the Scientific Study of Religion, 48(4), 670-686.

Ferdowsi, S., Mortazavi, S., & Rezvani, N. (2007). "The Relation between Bio-environmental Knowledge and Pro-environmental Behavior", Human Sciences, No.53, 151-164. (Persian).

Firouzjaian Golugah, A., & Shafiei, A. (2016). "Pathology of environmental citizenship with emphasis on environmental indifference (case study: citizens of Yazd city)", Urban Sociological Studies Quarterly, 8(25), 19-42. (Persian).

Fusco, E., Snider, A., & Luo, S. (2012). "Perception of global climate change as a mediator of the effects of major and religious

affiliation on college students' environmentally responsible behavior", Environmental Education Research, 18(6), 815-830.

Gholami, A. A., Abbasi Sfajir, A. A., & Heidarabadi, A. (2021). "Environmental behaviors of women and the effect of religiosity on it in Sari Abstract", Women's Studies Sociological and Psychological, 19(3), 7-38. (Persian).

Haghighatian, M. (2014). "Environmental Behavior of the Residents of the city of Esfahan and the Effects of selected variables in it", Journal of Urban - Regional Studies and Research, 6(23), 133-144. (Persian).

Hajizadeh M., Sayarkhalaj H., & Shokohifar K. (2015). "Cultural and environmental factors among residents in Yazd", Scds, 3 (3), 9-32. (Persian).

Harris, F. (Ed.). (2004). Global environmental issues. UK: John Wiley & Sons.

Heidari, A., & Ramezani Baseri, A. (2016). "Investigation of the relationship between modern value orientation and religious identity and its gender comparison (a case study of high school students of Marvdasht town)", Sociological Cultural Studies, 6(4), 23-45. (Persian).

Hemayatkhah Jahromi, M., & Ghorbani, M. (2017). "Cultural theory and Explain of environmental attitude (Case of Study, University of Tehran students)", Journal of Natural Environment, 70(3), 565-582. doi: 10.22059/jne.2017.207248.1156. (Persian).

Hoogstra-Klein, M. A., Permadi, D. B., & Yasmi, Y. (2012). "The value of cultural theory for participatory processes in natural resource management", Forest policy and economics, 20, 99-106.

Hosseini, F., Haghighatian, M., & Hashemianfar, S. A. (2021). "A study of cultural and social factors affecting environmental degradation (case of study: the youth of the city of Tehran)", Journal of Economic & Developmental Sociology, 10(2), 259-278. doi: 10.22034/jeds.2021.46534.1533. (Persian).

Hynes, N., & Wilson, J. (2016). "I do it, but don't tell anyone! Personal values, personal and social norms: Can social media play a role in changing pro-environmental behaviours?", Technological Forecasting and Social Change, 111, 349-359.

Inglehart, R. (1990). Culture Shift in Advanced Industrial Society. Translated into persion by Maryam Vatar (2016), Third edition, Tehran: Kavir. (Persian).

Johnson, K. A., Liu, R. L., Minton, E. A., Bartholomew, D. E., Peterson, M., Cohen, A. B., & Kees, J. (2017). "US citizens' representations of God and support for sustainability policies", Journal of Public Policy & Marketing, 36(2), 362-378.

Johnson, K. A., Sharp, C. A., Okun, M. A., Shariff, A. F., & Cohen, A. B. (2018). "SBNR identity: The role of impersonal God representations, individualistic spirituality, and dissimilarity with religious groups", The International Journal for the Psychology of Religion, 28(2), 121-140.

Khoshfar, G., & Salehi, S. (2008). Social capital and environmental behavior, the social issues project review conference of Mazandaran province. (Persian).

Kiani Salmi, S., & Shaterian, M. (2018). "Analysis of social and cultural factors affecting the environment (Case study: Kashan)", Environmental Education and Sustainable Development, 6(2), 101-116. (Persian).

Lazar, J., & Preece, J. (2001). "Using electronic surveys to evaluate networked resources: From idea to implementation", Evaluating networked information services: Techniques, policy, and issues, 137-154.

Lim, C., & MacGregor, C. A. (2012). "Religion and volunteering in context: Disentangling the contextual effects of religion on voluntary behavior", American Sociological Review, 77(5), 747-779.

Maleki, A. (2004). Investigating the value system of Iranian society with an emphasis on the value theory of Ronald Inglehart. PhD dissertation in sociology, Isfahan University, Isfahan. (Persian).

Mirfardi, A. (2019). "Environmental Attitude and Its Relation to Religiousness in Noorabad Mamasani", Environmental Education and Sustainable Development, 7(2), 91-102. (Persian).

Mostafa, M. M. (2016). "Post-materialism, religiosity, political orientation, locus of control and concern for global warming: A multilevel analysis across 40 nations", Social Indicators Research, 128(3), 1273-1298.

Munoz-García, A. (2014). "Religion and environmental concern in Europe", Archive for the Psychology of Religion, 36(3), 323-343.

Nabavi, S. A., & Shahriari, M. (2013). "Religion, Morality and Environment", Man and Environment, 12(No. 2 (29-40)), 69-83. (Persian).

Navah, A., Foroutankia, S., & Pourtarkarouni, M. (2012). "The relationship between religiosity and environmental values and behaviors (Case study: the Residents of Ahvaz)", Sociological urban studies, 1(1), 77-98. (Persian).

Nouri, Z., & Niazi, M. (2023). "Preventive social and cultural components of committing green crimes (case study: Kashan city)", Socio-Cultural Strategy, 12(2), 372-398. doi: 10.22034/ scs.2022. 163380. (Persian).

Pepper, M., Jackson, T., & Uzzell, D. (2011). "An examination of Christianity and socially conscious and frugal consumer behaviors", Environment and Behavior, 43(2), 274-290.

Preston, J. L., & Shin, F. (2022). "Opposing effects of spirituality and religious fundamentalism on environmental attitudes", Journal of Environmental Psychology, 80, 101772.

Rabiei, A. (2017). "The study of cultural-social factors effective on citizen's behavior on maintaining environment (case study: city of Boroujen)", Environmental Researches, 8(15), 51-64. (Persian).

Raggiotto, F., Mason, M. C., & Moretti, A. (2018). "Religiosity, materialism, consumer environmental predisposition. Some insights on vegan purchasing intentions in Italy", International Journal of Consumer Studies, 42(6), 613-626.

Rezaei, M., & Gholamzadeh, M. (2018). "An analysis of Individualism in Virtual Social Networks", New Media Studies, 4(15), 1-33. doi: 10.22054/nms.2018.28108.379. (Persian).

Roiland, D. (2016). "Frugality, a positive principle to promote sustainable development", Journal of Agricultural and Environmental Ethics, 29, 571-585.

Ruiter, S., & De Graaf, N. D. (2006). "National context, religiosity, and volunteering: Results from 53 countries", American Sociological Review, 71(2), 191-210.

Salehi, S. (2010). People and the environment: A study of environmental attitudes and behaviour in Iran. LAP Lambert Academic Publishing.

Sherkat, D. E., & Ellison, C. G. (2007). "Structuring the religion-environment connection: Identifying religious influences on environmental concern and activism", Journal for the scientific study of religion, 46(1), 71-85.

Shin, F., & Preston, J. L. (2021). "Green as the gospel: The power of stewardship messages to improve climate change attitudes", Psychology of religion and spirituality, 13(4), 437.

Sojasi Ghidari, H., Shayan, H., & faal jalali, A. (2020). "Responsible Businesses: Measuring the environmental responsibility level of ecologies, case study: Khorasan Razavi", Journal of Tourism Planning and Development, 8(31), 115-132. doi: 10.22080/jtpd.2020.17147.3134. (Persian).

Steg, L., & Vlek, C. (2009). "Encouraging pro-environmental behaviour: An integrative review and research agenda", Journal of environmental psychology, 29(3), 309-317.

Tajbakhsh, G., Hoseini, M., & Goudarzi, A. (2021). "A Meta-Analysis of Social Factors Related to Environmental Protection, Emphasis on the Role of Geographical Area in Iran", Environmental Researches, 11(22), 137-148. (Persian).

Taleban, M., & Memarzadeh, A. (2020). "Religiosity and Environmentalism: An Empirical Reflection on Theoretical Conflicts", Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research, 8(15), 89-121. doi: 10.22084/csr. 2020.20690. 1754. (Persian).

Taylor, B., Van Wieren, G., & Zaleha, B. D. (2016). "Lynn White Jr. and the greening-of-religion hypothesis", Conservation Biology, 30(5), 1000-1009.

Triandis, H. C. (2001). "Individualism-collectivism and personality", Journal of personality, 69(6), 907-924.

Veisi, H., & Majdodin, A. (2010). "A Study of the Mechanisms and Contexts of Public Participation in Environmental Protection", Journal of Natural Environment, 63(1), 93-107. (Persian).

Vermeer, P., Scheepers, P., & Grotenhuis, M. T. (2016). "Churches: Lasting sources of civic engagement? Effects of

secularization and educational expansion on non-religious volunteering in the Netherlands, 1988 and 2006", Voluntas: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations, 27, 1361-1384.

Waylen, K. A., Fischer, A., McGowan, P. J., & Milner-Gulland, E. J. (2012). "Interactions between a collectivist culture and Buddhist teachings influence environmental concerns and behaviors in the Republic of Kalmykia, Russia", Society & Natural Resources, 25(11), 1118-1133.

Willard, A. K., & Norenzayan, A. (2017). "Spiritual but not religious": Cognition, schizotypy, and conversion in alternative beliefs. Cognition 165, 137-146.

Xue, W., Hine, D. W., Loi, N. M., Thorsteinsson, E. B., & Phillips, W. J. (2014). "Cultural worldviews and environmental risk perceptions: A meta-analysis", Journal of Environmental Psychology, 40, 249-258.

Yousefi, M., & Rahimian, J. (2013). The face of the forests of Kohgiluyeh and Boyer Ahmad provinces, Shiraz: The scent of Pars art. (Persian)

Zibakalam, S. (2007). Sociology in simple language. Tehran: Rowzaneh. (Persian).

The Relationship between Value Orientation and Religious Orientation with Environmental Responsibility

Seyed Alireza Afshani (Ph.D)[1], *Ziauddin Satarzadeh*[2]

DOI: 10.22055/QJSD.2026.47467.2970

Abstract:

Moral values shape environmental beliefs and behavior in profound ways. This research examines the values of Yasujian citizens. It looks at how these values relate to their environmental responsibility. For this purpose, we used previous studies and theories. These include Weber, Inglehart, Kollmuss, Agyeman, and Douglas's cultural theory. We used them to analyze data from a sample of 323 people who were selected by an electronic sampling method. We measured the questionnaire's validity by face and its reliability using Cronbach's alpha. The results state a direct link between religious, traditional, and modern values and environmental responsibility. But, there was no link between fatalistic values and environmental responsibility. Two religious and traditional values were strongly linked to recycling. But, in the modern values, responsible behaviors had the highest score. The research found that religious teachings and rational action aimed at the goal (preserving the environment as a material resource) have an important role in the environmental responsibility of the citizens of Yasujı. If there are conditions for supporting environmentally responsible behaviors, including creating a platform to facilitate these behaviors and women's participation, strengthening communication and building trust between people and non-governmental organizations such as religious and traditional institutions, the Yasujian citizens will have more desire, possibility, and ability to act in such behaviors.

Key Concepts: *Religious orientation, Traditional orientation, Fatalism Orientation, Modern orientation, Environmental Responsibility*

[1] Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran (Corresponding Author), afshanialireza@yazd.ac.ir

[2] Master of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran zia.satarzade94@gmail.com

© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).